

دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه تصریح نموده است، بتوان ممنوعیت نمایندگی مجلس را در صورت محکومیت به مواردی که مجازات تبعی را در پی دارند، استنباط نمود.

۱. ممکن است رویکرد شورای نگهبان در خصوص منع عزل نماینده مجلس در طول دوره نمایندگی ناظر به صدر اصل ۶۳ قانون اساسی باشد که دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی را چهار سال دانسته است. اشکال وارد بر این برداشت آن است که دوره چهارساله مذکور در این اصل مربوط به کل دوره مجلس است و نه تک‌تک نمایندگان. همان‌طور که ممکن است نماینده‌ای با انتخابات میان‌دوره‌ای و در میانه دوره مجلس وارد مجلس شده و در نتیجه دوره نمایندگی وی کمتر از چهار سال شود، یا آنکه نماینده‌ای در میانه دوره به دلیل استعفا یا فوت یا دلیل دیگری، از آن دوره تقنینی کنار رود و نماینده دیگری به‌موجب انتخابات میان‌دوره‌ای جایگزین وی گردد.

پی‌نوشت:

۱. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، ۱۳۸۴. بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان، چ ۲۴، صص ۱۹۹-۲۰۲.
۲. براساس ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی مجلس در نظام حقوقی بریتانیا، سخنگوی مجلس یا هیئت رئیسه می‌تواند اشخاصی را که ناقض تعهدات الزامی در مجلس هستند، بدون رسیدگی قضایی از ادامه ایفای وظایف نمایندگی‌شان بازدارد. دیگر اینکه بر اساس ماده ۴۴ آیین‌نامه، چنانچه نماینده‌ای مرتکب جرمی شود، از خدمات مجلس محروم خواهد شد و این کار از سوی سخنگو انجام می‌شود. (زارعی، محمدحسین، ۱۳۸۴. مطالعه تطبیقی مجالس قانون‌گذاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۲۱۰)
۳. مطابق ماده ۱ این قانون: «به‌منظور حفظ شأن و منزلت نمایندگان و نظارت درباره امور مربوط به دوران نمایندگی در ابتدای هر دوره مجلس شورای اسلامی و حداکثر سه ماه پس از انتخاب هیئت رئیسه دائمی، هیئت نظارت که از این پس هیئت نامیده می‌شود مرکب از افراد زیر برای همان دوره تشکیل می‌گردد...»
۴. ماده ۶ طرح نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان مصوب ۱۳۹۰/۷/۶ مجلس شورای اسلامی: «... ذ. محرومیت از شرکت در جلسات مجلس و کمیسیون‌های تخصصی تا سه ماه با پیشنهاد هیئت و تصویب مجلس. ر. لغو اعتبارنامه نماینده به پیشنهاد هیئت و تصویب مجلس.»

۵. نظریه شورای نگهبان عطف به نامه شماره ۴۷۴/۴۲۸۶۲ مورخ ۱۱/۰۷/۱۳۹۰ و پیرو نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۴۱۳۹ مورخ ۲۱/۰۷/۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی.

۶. براساس ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم کند» همان‌طور که در ماده ۲۳ نیز به آن اشاره شده، مجازات تکمیلی متناسب با جرم و مجازات اصلی متفاوت بوده اما دست قاضی برای صدور هر یک از موارد مشخص شده در قانون باز است. بر این اساس، مواردی مانند «الف- اقامت اجباری در محل معین، ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی، ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي، چ- منع از حمل سلاح، ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور، خ- اخراج بیگانگان از کشور، د- الزام به خدمات عمومی، ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی یا اجتماعی، ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم، ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، ژ- الزام به تحصیل، س- انتشار حکم محکومیت قطعی» به‌عنوان مواردی است که قاضی می‌تواند در کنار مجازات اصلی؛ به‌عنوان یک مجازات تکمیلی برای محکوم در نظر بگیرد.

۷. مجازات تبعی، مجازاتی است که به‌صرف محکومیت متهم به یکی از مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی، به‌صورت پیش‌فرض بر محکوم بار می‌شود و باید توجه کرد که مجازات تبعی با مجازات تکمیلی اشتباه گرفته نشود؛ مجازات تبعی عموماً محدود به محرومیت از حقوق اجتماعی است و نیاز به اجازه قاضی در حکم خود ندارد. بلکه این مجازات‌ها بنا بر حکم قانون به‌صورت خودبه‌خود و به‌تبع مجازات جرم انجام شده به مجرم تحمیل خواهد شد. اکثر مجازات‌های تبعی، حقوق اجتماعی مجرم را نشان می‌روند و طبق تعریف قانونی، حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمروی حاکمیت آن منظور کرده و سلب آن به‌موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است. این مجازات‌ها اصولاً در جرائم عمدی کاربرد دارند. در قانون مجازات اسلامی اولیه مصوب سال ۱۳۷۰ چیزی تحت عنوان مجازات‌های تبعی پیش‌بینی نشده بود اما چند سال بعد ماده‌ای تحت عنوان ماده ۶۲ مکرر به قانون اضافه شد و

در آن از مجازات‌های تبعی نام برده شد. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مانند قانون قدیم، مجازات‌های تبعی را در جرائم عمدی و در صورت محکومیت قطعی کیفری و پس از اجرای حکم قابل اجرا می‌داند.

۸. براساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند؛ هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج» محرومیت‌های اجتماعی که در قانون جدید بر محکومان بار می‌شود دایره وسیعی از حقوق شهروندی و فردی را شامل می‌شود که به‌تصریح در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است. براساس این ماده محرومیت‌های اجتماعی شامل منع از «داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور، تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به‌موجب قانون یا با رأی مردم، عضویت در هیئت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف، اشتغال به‌عنوان مدیرمسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادها تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها، اشتغال به‌عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری، انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام، انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی، استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری، تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی» است.